



Translate Luna

Clean Luna

Type Flora



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

ا، ادوارد؟

smooch ♡

رینو.

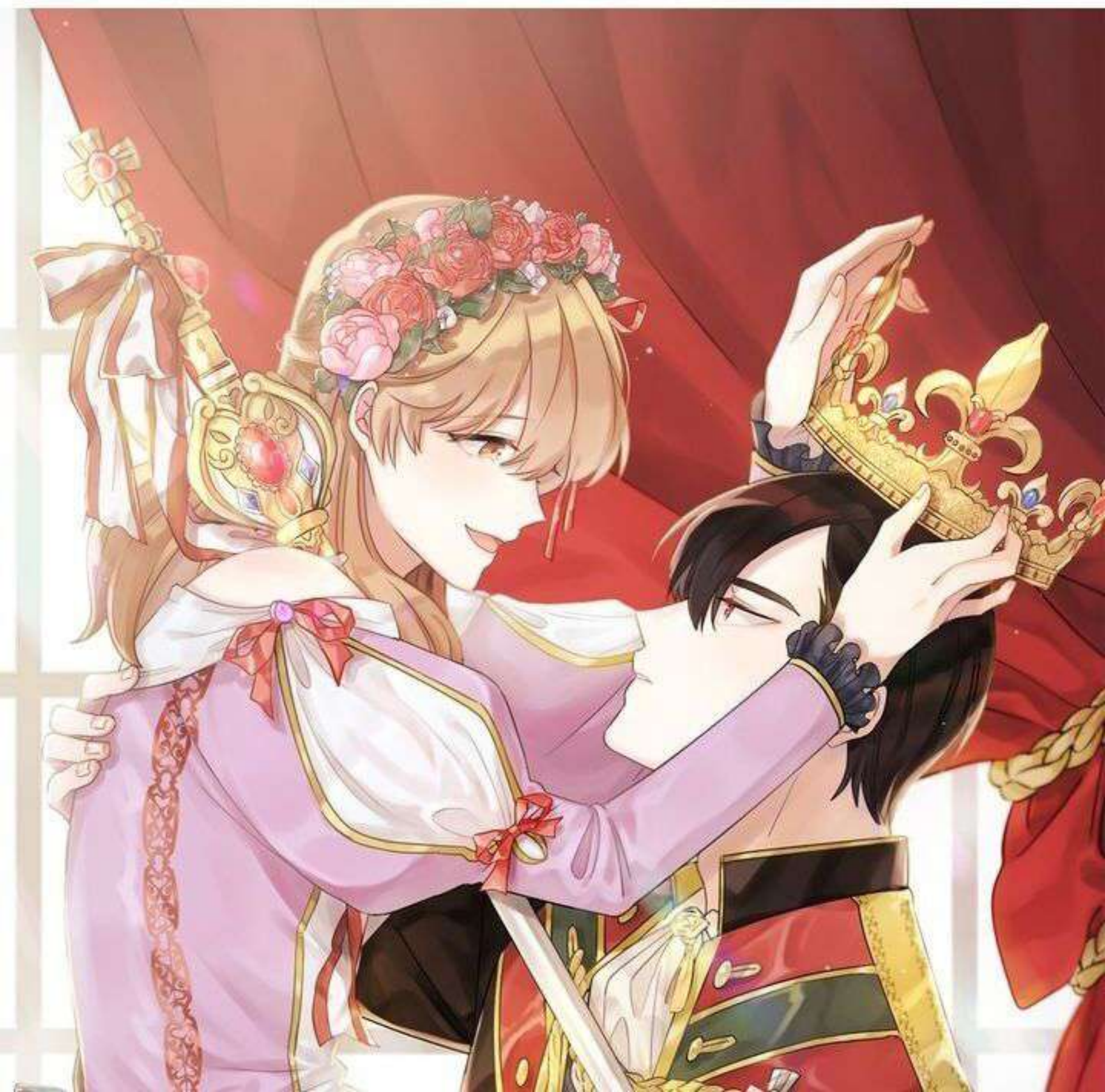
ه، هاه؟

shove--!

من هر کاری می کنم تا قضیه
مشکوک بودن مردم به تو
رو حل و فصل کنم. به
هر حال اونا مردم منن.



پس بهم اعتماد کن
و فقط به کوچولو
دیگه صبر کن.





I Choose the Emperor Ending

Story : KIM SUO

Art : jaradog

Ep 62

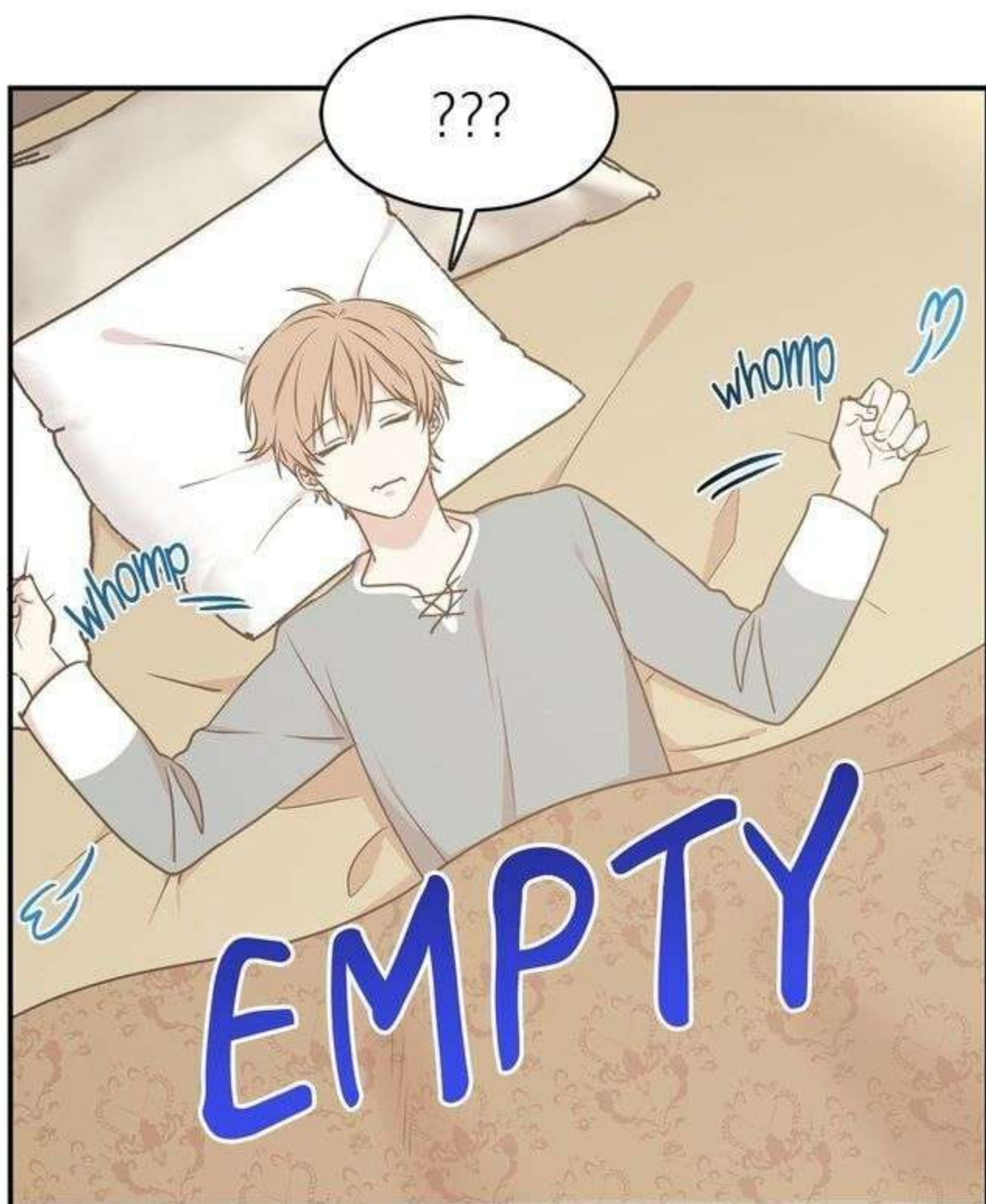
©DAONCOMIX







خب، اینطوری دومین
زندگیم [؟] توی این
دنیا شروع شد.



رينو.



صبح شده.



یکم بیشتر بخواب.
برمی گردم.

AKISS

عیح...



چی شده؟ گفتم
می تونی بخوابی.



می خوابم، ولی
می خواستم تو
رو بینم...

روز خوبی داشته
باشی، ادوارد...

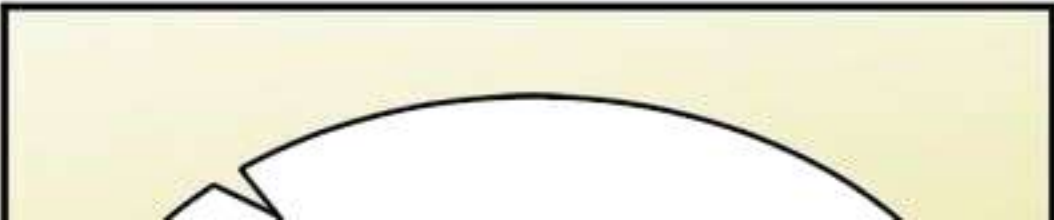
~
beam







باشه.
برمی‌گردم.



خیلی وقته که مثل
امروز لرد رو شاد و
شنگول ندیده بودم~!



خیلی خیالم راحت شد که
تو برگشتی، تکنسین.



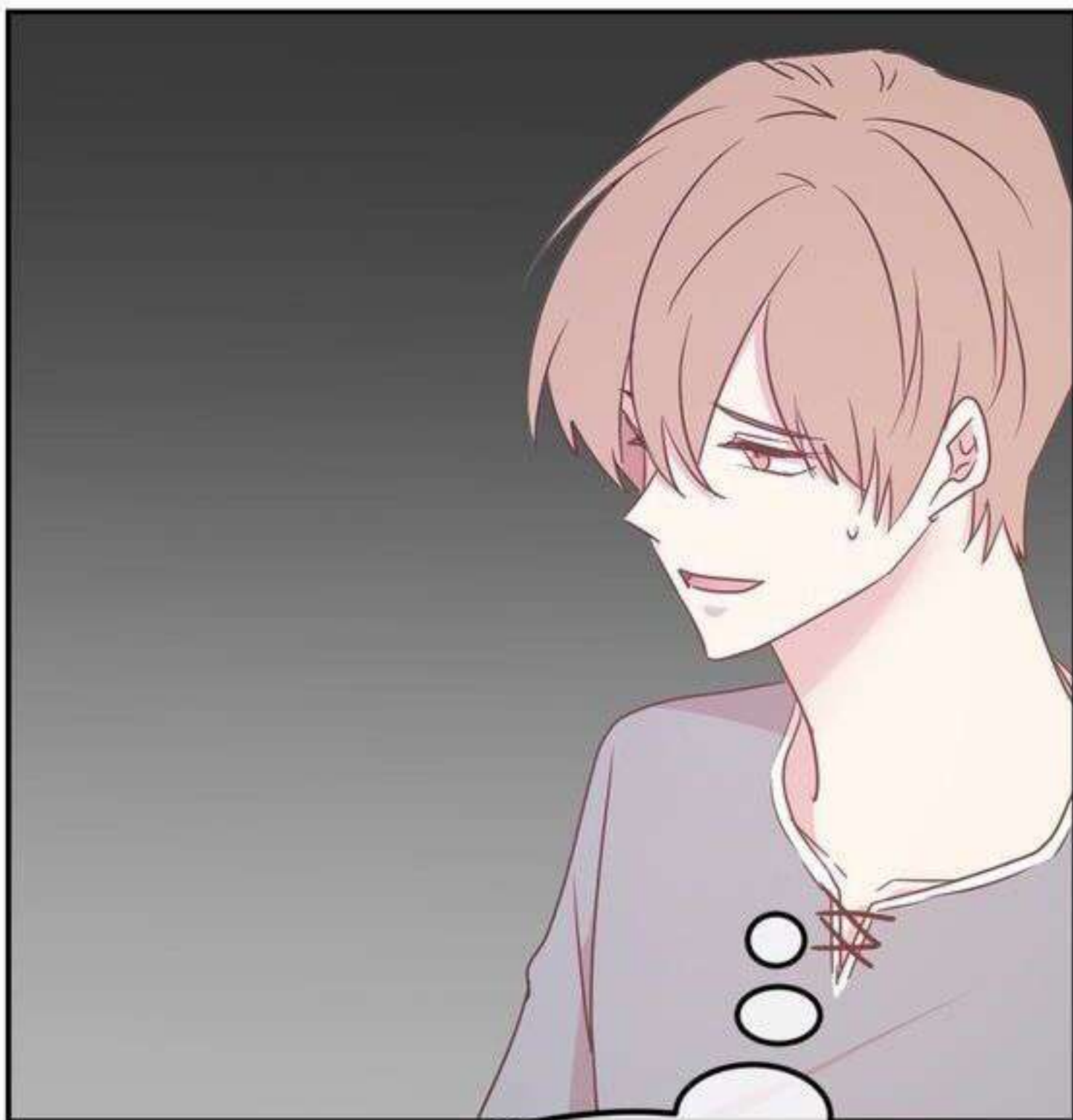
منم خوشحالم که دوباره
می بینمت، آراین.



مطمئنم که این دفعه
هم یه کمک بزرگ
برای لردمون بودی!



ا، امیدوارم که
اینطور باشه...



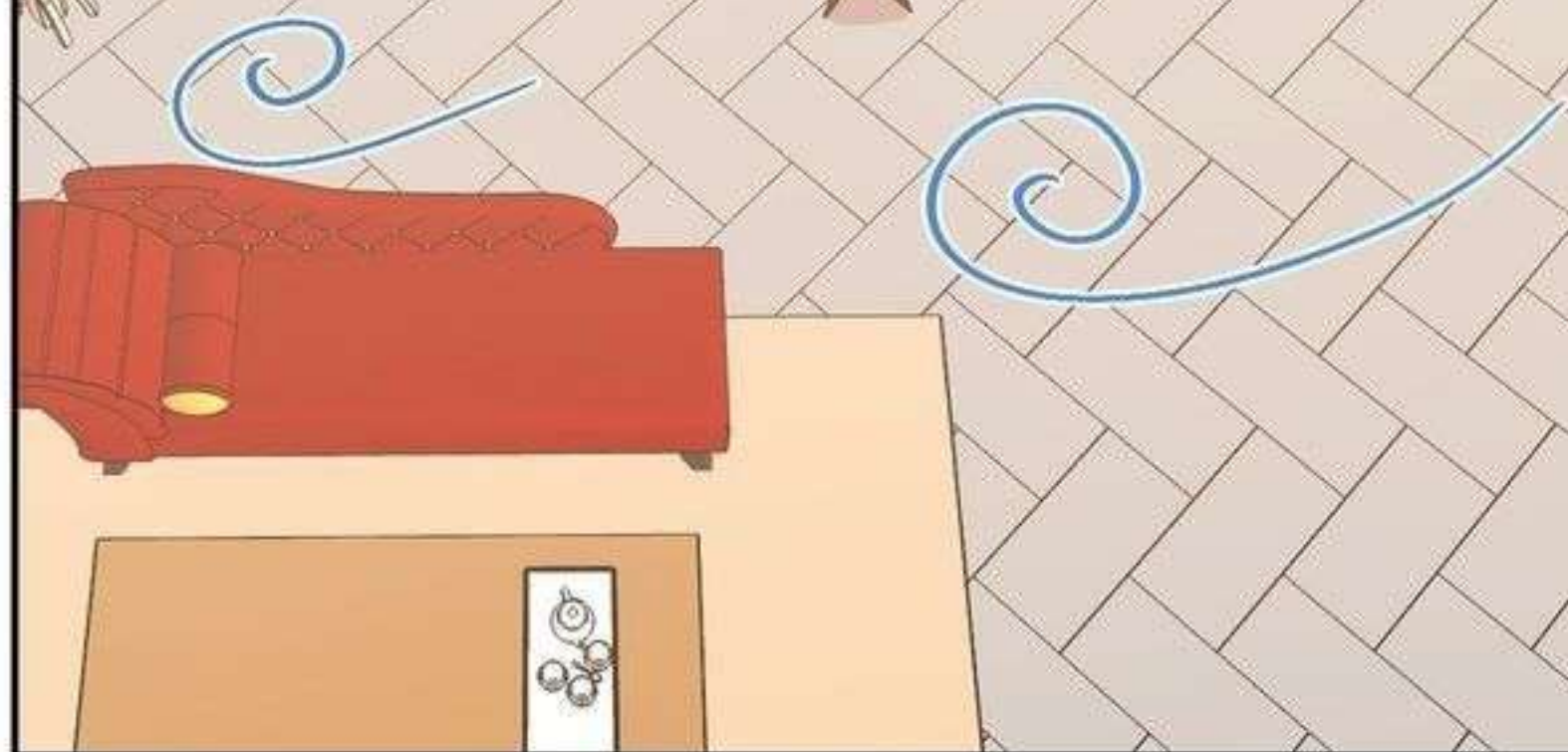
برای الان، اگه موفق
شم هیچ آتیشی
نسوزونم راضیم.

به هر حال...



باید کل روز
توی این اتاق چه
غلطی کنم؟

whooosh



کلی چیز هست
که می تونی اینجا
امتحان کنی!

مثلا چی؟

ta-da ~

اوه خدای من، کمتر از
این ازت انتظار نداشتم
تکنسین ~ چه دستای
فرزی داری!





??

??

??

??

??

??

احساس می‌کنم
دارم قوی‌تر شده
یه امتحان برای
کلاس کسب و کار
خاندگی می‌دم!!

??

اصلاً نمی‌دونم
داری درباره‌ی
حرف می‌زنی!

??

??

??

??

??

??

خب دیگه. خوندن
چطوره؟ چند تا
رمان بامزه درباره
شوالیه‌ها دارما...

من نمی‌تونم زبون این
کشور رو بخونم...



توی آشپزخونه کمک لازم ندارن؟
می‌تونم قابلمه قرمه سبزی رو هم
بزنم یا یه چیزی شبیه این...



نه، نمی تونیم بهت
بگیم یه کار اینطوری
کنی، نکنه سین!

قول دادم کنار
بشینم، اما...



آه، دلم می خواد یه
چیزی درست کنم...

... همون طور كه انتظار
داشتتم، اين مدلى زندگى
كردن به من نمى خوره.



من فقط مى خوام
بدم پيرون...

هنوز حتى نصف
روز هم نگذشته.
واقعا پده.





آرین، اون چیه؟



چرا بچه‌ها باید
همچین چیز سنگینی
رو جا به جا کنن...؟



چون این روزا توی
قلعه تعداد کسایی که
بتونن کار کنن کمه.



سر خانوما با
درست کردن غذا
و لباس شلوغه،





و مردا هم مرتبا برای
مرمت دیوار قلعه
فرستاده می‌شن.



... متوجهم...



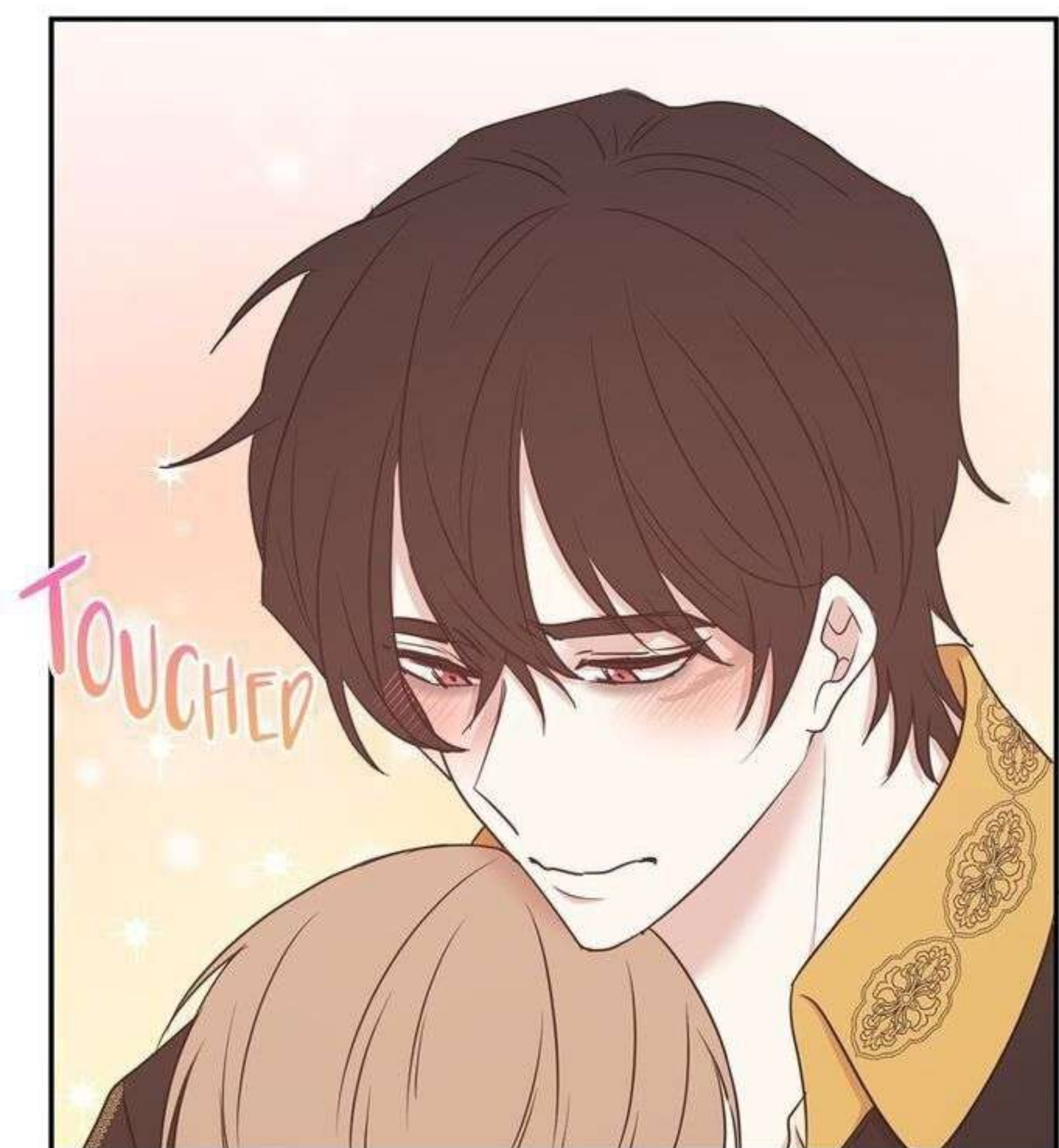
رینو، من
برگش...



tug

ادوارد،
برگشتی!

امروز خیلی سخت
کار کردم!~





SLAM

همه چی راست
وراست شده...

باید جشن
بگیریم...

قطعا...



خیلی شنگول
به نظر میای؟



بلی! کل روز
منتظر بودم!

می دونی چرا،
ادوارد؟

lower

?

هم من به یه
پیزی فکر کردم
که می‌تونم
انجامش بدم!

To Be Continued



©DAONCOMICS



GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER

GAME
OVER